



اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۲۸

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای یاسر سعادت

بحث ما در مورد قواعد عامه درباره ادله محرزه بود. دومین قاعده‌ای که شهید صدر در این جا متعرض آن می‌شوند، قاعده «مقدار آنچه که با دلیل حجیت ادله محرزه ثابت می‌شود» می‌باشد؛ به این معنا که آیا دلیل حجیت ادله محرزه، فقط مدلول مطابقی این ادله را اثبات می‌نماید و یا مدلول التزامی آن را نیز ثابت می‌کند.

اصولیون برای این عنوان مبحث مستقلی باز نکرده‌اند و غالباً آن را در تنبیهات استصحاب به عنوان اصل مثبت، مورد بحث قرار داده‌اند؛ اما شهید صدر در اکثر تصنیفاتش علاوه بر تنبیهات استصحاب، در بحث از ادله محرزه نیز این مبحث را مطرح نموده‌اند و واضح است که نام‌گذاری این مبحث به «مقدار ما یثبت بدلیل الحجية» مبحث این مسأله را به شکل واضح‌تری از نام‌گذاری به «اصل مثبت» انعکاس می‌دهد.

علی‌ای‌حال در این درس، خواهیم خواند که مدلول التزامی دلیل قطعی، حجت است؛ اما نسبت به مدلول التزامی دلیل ظنی، اختلاف و بحث وجود دارد. البته مدلول دلیل محرز ظنی به دو گونه متصور است: یکی این که عنوان موضوع حجیت، شامل آن شود که در این صورت اختلافی در مورد حجیت و ثبوت مدلول التزامی وجود نخواهد داشت. اما گاهی موضوع دلیل حجیت، قابل انطباق بر مدلول التزامی نیست که در این صورت، حجیت مدلول التزامی مورد اختلاف می‌باشد.

مقدار ما يثبت بالأدلة المحرزة

الدليل المحرز له مدلول مطابقٌ و مدلول التزاميٌ. فكلما كان الدليل المحرز حجةً، ثبت بذلك مدلوله المطابق، و أما مدلوله الالتزامي ففيه بحث، و حاصله: أن الدليل المحرز إذا كان قطعياً فلا شك في ثبوت مدلولاته الالتزامية به؛ لأنها تكون قطعياً أيضاً، فتثبت بالقطع كما يثبت المدلول المطابق بذلك.

و إذا كان الدليل ظنياً و قد ثبتت حجته بجعل الشارع كما في الأمانة، مثل خبر الثقة و ظهور الكلام فهنا حالتان: الأولى: أن يكون موضوع الحجة أي ما حكم الشارع بأنه حجة صادقاً على الدلالة الالتزامية كصدقه على الدلالة المطابقية، و مثال ذلك: أن يرد دليل على حجة خبر الثقة، و يقال إن الإخبار عن شيء إخبار عن لوازمه، و في هذه الحالة يثبت المدلول الالتزامي، لأنه مما أخبر عنه الثقة بالدلالة الالتزامية، فيشمه دليل الحجة المتكفل للأمر بالعمل بكل ما أخبر به الثقة مثلاً. الثانية: أن لا يكون موضوع الحجة صادقاً على الدلالة الالتزامية. و مثال ذلك: أن يرد دليل على حجة ظهور اللفظ، فإن الدلالة الالتزامية غير العرفية ليست ظهوراً لفظياً، فلا تشكل فرداً من موضوع دليل الحجة، فمن هنا يقع البحث في حجة الدليل لإثبات المدلول الالتزامي في حالة من هذا القبيل.

و قد يستشكل في ثبوت هذه الحجة بدليل حجة الظهور، لأن دليل حجة الظهور لا يثبت الحجة إلّا لظهور اللفظ، والدلالة الالتزامية لهذا الظهور ليست ظهوراً لفظياً فلا تكون حجة، و مجرد علمنا من الخارج بأن ظهور اللفظ إذا كان صادقاً فدلالته الالتزامية صادقة أيضاً، لا يبرر استفادة الحجة للدلالة الالتزامية، لأن الحجة حكم شرعي و قد خصصه بإحدى الدالتين دون الأخرى على الرغم من تلازمهما في الصدق.

حجیت و ثبوت مدالیل التزامی ادله محرزہ

دومین قاعدهٔ عمومی که در مورد ادلهٔ محرزہ مورد بررسی قرار می‌گیرد، بررسی مقدار حجیت ادلهٔ محرزہ می‌باشد. به این معنا که آیا دلیل حجیت ادلهٔ محرزہ آیا صرفاً مدلول مطابقی این ادله را حجت می‌کند یا مدالیل التزامی این ادله را نیز حجت می‌نماید؟

در اینجا لازم است که قبل از ورود در بحث، اقسام مدالیل ادله را بیان نموده و توضیح دهیم تا موضع نزاع و بحث به خوبی آشکار شود.

اقسام دلالت لفظیه

در علم منطق دلالت لفظیه را بر سه قسم تقسیم می‌نمایند:

قسم اول: دلالت مطابقی

دلالت لفظ بر تمام معنای موضوع له و مطابقت لفظ با آن معنا، دلالت مطابقی نامیده می‌شود. مانند: دلالت کتاب بر ورق‌ها و جلدش؛ و این دلالت، اصلی‌ترین دلالت برای الفاظ می‌باشد که الفاظ برای این دلالت وضع شده‌اند.

قسم دوم: دلالت التزامی

دلالت لفظ بر معنایی که خارج از معنای موضوع له آن می‌باشد؛ ولیکن لازمهٔ معنای آن می‌باشد، دلالت التزامی گفته می‌شود. یک دلیل می‌تواند دلالت‌های التزامی متعددی داشته باشد. مثلاً وقتی گفته می‌شود: «زید تا کنون زنده است» مدلول مطابقی این دلیل، حیات زید می‌باشد؛ اما مدلول التزامی آن می‌تواند متعدد باشد. مثلاً اگر تا کنون زنده است، پس بر صورت او مو روییده است و او ریش در آورده است. و اگر تا کنون زنده است سن او ۴۰ سال است و یا نفقهٔ همسرش بر او واجب است و همسر او زن شوهردار محسوب می‌شود و غیر ذلک.

قسم سوم: دلالت تضمنی

دلالت لفظ بر جزء معنای موضوع له را دلالت تضمنی می‌گویند. مانند دلالت کتاب بر جلدش.

تنقیح موضوع بحث

بحث ما در این مبحث، مختص به دلالت مطابقی و التزامی می‌باشد و شکی نیست که ادلهٔ محرزہ، دارای دلالت مطابقی و دلالت التزامی هستند و دلیل حجیت ادلهٔ محرزہ، دلالت مطابقی را شامل می‌شود. اما شمول آن برای دلالت التزامی این ادلهٔ مشکوک است که در این بحث می‌خواهیم ببینیم آیا دلیل حجیت ادلهٔ محرزہ، دلالت التزامی این ادله را هم حجت می‌کند یا نه؟ برای پاسخ این سؤال لازم است که بین دلیل محرز قطعی و دلیل محرز ظنی تفصیل قائل شویم.

حجیت مدلول التزامی دلیل محرز قطعی

اگر دلیل محرز، قطعی باشد مدالیل التزامی آن، مانند مدالیل مطابقی‌اش حجت می‌باشد؛ زیرا حجیت دلیل قطعی به حکم عقل می‌باشد و عقل، فرقی بین مدالیل مطابقی و التزامی، قائل نیست. به تعبیر مشهور، قطع به شیء قطع به لوازم آن نیز می‌باشد. مثلاً وقتی که یقین به این داریم که زید در زیر آب است، یقین به غرق شدن او نیز خواهیم داشت و یا اگر یقین به افتادن زید در آتش داشته باشیم، علم به سوختن او نیز خواهیم داشت.

۱. دلالت مطابقی ← دلالت لفظ بر تمام معنای موضوع^۲ له.

۲. دلالت التزامی ← دلالت لفظ بر معنایی خارج از موضوع^۲ له که لازمه^۳ معنای موضوع^۲ له می باشد.

۳. دلالت تضمنی ← دلالت لفظ بر جزء معنای موضوع^۲ له.

حجیت ادله محرزہ نسبت
به انواع دلالت آنها

۱. دلالت مطابقی ← قطعاً حجت می باشد.

۲. دلالت التزامی ← دلیل قطعی ← حجت می باشد.
 ← دلیل ظنی ← در ادامه درس بیان خواهد شد.

تطبيق

مقدار ما يثبت بالأدلة المحرزة

مقدار آنچه که با ادله محرز ثابت می شود.

الدليلُ المحرزُ له مدلولٌ مطابقٌ ومدلولٌ التزاميٌّ.

برای دلیل محرز، هم مدلول مطابقی وجود دارد و هم مدلول التزامی.

فكلّما كان الدليل المحرز حجةً، ثبتَ بذلك^١ مدلوله المطابق.

هر گاه دلیل محرز حجت باشد، مدلول مطابقی آن به سبب آن حجیت، ثابت خواهد بود.

وَأَمَّا مَدْلُولُهُ الْإِلْتِزَامُ، ففِيهِ بَحْثٌ.

اما در ثبوت مدلول التزامی به سبب حجیت دلیل محرز، بحث می‌طلبید و در آن بحث و اختلاف وجود دارد.

و حاصله: أن الدليل المحرز إذا كان قطعياً فلا شك في ثبوت مدلولاته الالتزامية به؛

و حاصل این بحث اینست که دلیل محرز اگر قطعی باشد، شکی در حجیت و ثبوت مدالیل التزامی آن، به سبب قطع، وجود نخواهد داشت.

لأنَّهَا تَكُونُ قِطْعَةً أَيْضًا.

زیرا مداریل التزامی دلیل قطعی نیز (مانند مدلول مطابقی) قطعی می باشند؛

فتثبت^٢ بالقطع كما يثبت المدلول المطابق^٣ بذلك.

پس به سبب قطع، همان طور که مدلول مطابقی ثابت می شود، مدلول التزامی نیز ثابت می گردد.

Sco\ : \ ε:εο

بررسی حجیت مدلول التزامی دلیل محرز ظنی

^۱مشارٌ الیه: حجیت دلیل محرز.

^٢ مرجع ضمير: مداليل التزامي.

بعد از بیان اقسام دلالت و حجیت مدلول التزامی دلیل قطعی می‌خواهیم ببینیم که آیا مدلول التزامی دلیل محرز ظنی نیز حجیت می‌باشد یا نه؟

اگر دلیل محرز، ظنی باشد و حجیت آن به وسیله جعل شارع ثابت شده باشد، در این صورت برای تشخیص حجیت مدلول التزامی دلیل ظنی، باید به دلیل حجیت آن رجوع نماییم و ببینیم که آیا این دلیل حجیت، مدالیل التزامی دلیل ظنی را نیز ثابت و حجیت می‌کند یا نه؟ چون حجیت دلیل ظنی بالذات نیست و باید به وسیله جعل شارع ثابت گردد. نکته قابل ملاحظه این است که برای تشخیص حجیت مدلول التزامی دلیل ظنی، نمی‌توان به عقل رجوع کرد؛ زیرا جعل حجیت در دلیل ظنی تابع جعل شارع می‌باشد؛ لذا شارع می‌تواند حجیت هر دو مدلول را اختیار کند و یا این که حجیت را فقط برای مدلول مطابقی جعل نماید.

برای پاسخ به این سؤال لازم است تفصیلی در موضوع دلیل حجیت اماره قائل شویم؛ به این نحو که موضوع حجیت این دلیلی که اماره‌ای را حجیت می‌کند از دو حال خارج نیست.

حالت اول: شمول موضوع حجیت نسبت به مدلول التزامی

اگر موضوع حجیت شرعی عنوانی باشد که شامل مدالیل التزامی دلیل ظنی نیز بشود، یعنی: عنوانی موضوع حجیت شرعی قرار بگیرد که هم بر مدلول مطابقی، مطابق باشد و هم بر مدلول التزامی تطبیق نماید، در این صورت مدلول التزامی به وسیله این دلیل ثابت می‌شود. مثلاً وقتی که شارع می‌گوید: خبر ثقة حجیت است؛ این دلیل هم بر مدلول مطابقی خبر ثقة، قابل انطباق است و هم بر مدلول التزامی، زیرا اخبار از یک شیء، اخبار از لوازم آن شیء نیز می‌باشد؛ لذا اگر ثقة‌ای از حیات زید خبر دهد، از لوازم حیات او نیز خبر داده است، مثل این که زن او، زن شوهردار محسوب می‌شود و نمی‌تواند با کس دیگری ازدواج کند و نفقه او بر گردن زید می‌باشد و غیر ذلک.

تطبیق

و إذا كان الدليل ظنياً و قد ثبتت حجته بجعل الشارع كما في الأمانة، مثل خبر الثقة و ظهور الكلام فهنا حالتان: و اگر دلیل محرز، ظنی باشد و حجیت آن به جعل شارع ثابت شده باشد، (چنان که در اماراتی مثل خبر ثقة و ظهور کلام چنین می‌باشد) دو حالت نسبت به این دلیل ظنی قابل تصویر است:

الأولى: أن يكون موضوع الحجية أي ما حكم الشارع بأنه حجة صادقاً على الدلالة الالتزامية كصدقه على الدلالة المطابقة.

حالت اول: موضوع حجیت (یعنی آنچه را که شارع حجت قرار داده است) عنوانی باشد که بر دلالت التزامی صادق باشد، همان‌گونه که بر دلالت مطابقی صادق می‌باشد

و مثال ذلك: أن يرد دليل على حجة خبر الثقة، و يقال إن الإخبار عن شيء إخباراً عن لوازمه، و في هذه الحالة يثبت المدلول الالتزامي.

مثل این که دلیل بر حجیت خبر ثقة وارد شود و گفته شود که اخبار از یک شیء، اخبار از لوازم آن نیز می‌باشد که در این حالت مدلول التزامی ثابت می‌شود

لأنه مما أخبر عنه الثقة بالدلالة الالتزامية، فيشملة دليل الحجة المتكفل للأمر بالعمل بكل ما أخبر به الثقة مثلاً.

^۱ مشار الیه: مورد و حالتی که موضوع حجیت شامل مدلول التزامی شود.

زیرا این مدلول التزامی از چیزهایی است که ثقه (به دلالت التزامی) از آن خبر داده است؛ پس دلیل حجیت خبر ثقه که امر به عمل بر طبق هر آنچه که ثقه خبر داده است، می‌کرد شامل دلالت التزامی خبر ثقه نیز می‌شود.

حالت دوم: عدم شمول موضوع حجیت نسبت به مدلول التزامی

در این حالت فرض شده است که دلیلی که دلالت بر حجیت مدلول مطابقی دارد، ظهوری در شمول مدلول التزامی ندارد؛ به عبارت دیگر عنوانی که موضوع دلیل حجیت واقع شده است بر مدلول التزامی غیر عرفی قابل انطباق نیست، مثل دلیلی که دلالت بر حجیت ظهور الفاظ دارد که بدون اشکال دلالت بر معنای مطابقی الفاظ می‌کند، اما مدلول التزامی غیر عرفی الفاظ را مطمئناً شامل نمی‌شود؛ زیرا مدلول التزامی غیر عرفی الفاظ، ظهور لفظ محسوب نمی‌گردند که دلیل حجیت ظهور لفظ شامل آن شود؛ لذا در حجیت مدلول التزامی غیر عرفی الفاظ، شک وجود دارد.

توضیح: مدلول التزامی بر دو قسم می‌باشد؛ گاهی مدلول التزامی عرفی است و عرف آن را می‌فهمد. مثل وقتی که کسی می‌گوید: زید سال گذشته درگذشت؛ عرف، دفن شدن او را می‌فهمد؛ اما گاهی مدلول التزامی قابل فهم برای عرف نیست و برای عرف آن مدلول التزامی مبهم و غیر قابل انتقال است. مثلاً اصولیون می‌گویند: «نهی از عبادت با فساد آن ملازمه دارد.» که عرف این ملازمه را نمی‌فهمد و واضح است که قسم اول (یعنی مدلول التزامی که برای عرف قابل فهم است)، جزء ظهور لفظ محسوب می‌شود و دلیل حجیت ظهور لفظ، شامل آن هم می‌شود. به خلاف مدلول التزامی غیر عرفی که ظاهر لفظ محسوب نشده و دلیل حجیت ظهور لفظ، شامل آن نمی‌شود؛ ولی مشهور علما قائل به حجیت این گونه مدالیل هستند و می‌گویند در امارات، تمام مدالیل التزامی نیز حجت است. اما برخی مانند محقق خویی (ره) قائل به عدم حجیت و ثبوت این گونه مدالیل شده‌اند.

FG

حجیت مدالیل التزامی
دلیل محرز ظنی:

۱. عنوان موضوع حجیت، شامل مدلول التزامی است. ← مدلول التزامی ثابت می‌شود.
۲. عنوان موضوع حجیت شامل مدلول التزامی نیست ← مشهور: ثبوت و حجیت
← محقق خویی: عدم حجیت

تطبیق

الثانیة: أن لا يكون موضوع الحجية صادقاً على الدلالة الالتزامية.

حالت دوم (برای موضوع حجیت دلیل ظنی): موضوع حجیت صادق بر دلالت التزامی نباشد؛ و مثال ذلك: أن يرد دليل على حجية ظهور اللفظ، فإن الدلالة الالتزامية غير العرفية^۱ ليست ظهوراً لفظياً، فلا تشكّل فرداً من موضوع دليل الحجية.

مثال آن (یعنی جایی که موضوع حجیت صادق بر دلالت التزامی نباشد) مانند: این که دلیل بر حجیت ظهور لفظ وارد شود، پس دلالت التزامی غیر عرفی که ظهور لفظی محسوب نمی‌شود، فردی از موضوع دلیل حجیت نیست. فمن هنا يقع البحث في حجية الدليل لإثبات المدلول الالتزامي في حالة من هذا القبيل^۲.

^۱ مانند: فساد عبادت نسبت به نهی از آن.

و به خاطر همین عدم شمول دلیل حجیت، برای دلالت التزامی غیر عرفی، در حجیت مدلول التزامی دلیل ظنی در این گونه موارد، بحث (و اختلاف) واقع می‌شود.

Sco۲:۱۹:۰۴

دلیل بر حجیت مدلول التزامی غیر عرفی: عدم معقولیت انفکاک بین متلازمین

گفتیم که در ثبوت حجیت برای مدلول التزامی غیر عرفی نسبت به دلیل حجیت ظهور برخی اشکال نموده‌اند و دلیل خود را عدم شمولیت موضوع دلیل حجیت، نسبت به مدلول التزامی غیر عرفی، دانسته‌اند؛ به تعبیر دیگر با عدم شمول موضوع دلیل حجیت اماره نسبت به مدلول التزامی نمی‌توان دلیلی بر حجیت مدلول التزامی اماره پیدا نمود، لذا به اصل اولی که عدم حجیت است رجوع می‌شود. اما برخی گفته‌اند که در عالم واقع یا مدلول مطابقی ثابت است که در این صورت، مدلول التزامی نیز ثابت خواهد بود و یا مدلول مطابقی ثابت نیست که در این صورت مدلول التزامی هم ثابت نخواهد بود و ممکن نیست که مدلول مطابقی در خارج ثابت باشد اما مدلول التزامی ثابت نباشد؛ مثلاً وقتی که ثقه‌ای از افتادن زید در آتش خبر می‌دهد. یا این خبر صادق است که در این صورت، سوختن زید که مدلول التزامی آن خبر است، نیز ثابت خواهد بود و یا افتادن زید در آتش (مدلول مطابقی) صادق نیست که در این صورت، سوختن زید نیز ثابت نخواهد بود؛ پس مدلول مطابقی و التزامی یا هر دو صادق هستند که در این صورت هر دو حجت هستند و یا هر دو کاذبند، پس هر دو حجت نیستند؛ لذا تفکیک بین این دو مدلول در خارج، غیر معقول است.

جواب شهید صدر: امکان تفکیک بین لازم و ملزوم در احکام ظاهریه

شهید صدر می‌فرماید: این که فرمودید: «انفکاک بین لازم و ملزوم در امور خارجیه ممکن نیست.» قابل قبول ما نیز می‌باشد، اما بحث، در امر اعتباری و احکام ظاهریه است که تفکیک بین لازم و ملزوم در آن‌ها، امری ممکن می‌باشد و مثال‌های آن در فقه زیاد است. مثلاً: اگر کسی یک مرتبه اقرار به دزدی کند، مال سرقت شده از او گرفته می‌شود، اما دست او قطع نمی‌شود؛^۲ این انسان یا در واقع سارق است که دست او باید قطع شود؛ یا واقعاً سارق نیست که نه مال از او گرفته می‌شود و نه دستش قطع می‌گردد. و از این گونه موارد که شارع در احکام ظاهریه بین متلازمین تفکیک داده است، در فقه زیاد دیده می‌شود؛ علت آن هم همان است که بیان کردیم؛ یعنی چون اختیار احکام ظاهریه به دست شارع هست، او می‌تواند حکمی را برای هر دو متلازم و یا برای یکی از آن‌ها جعل کند و این جعل او مستلزم هیچ محال و محذوری نیست.

FG

تفکیک بین لازم و ملزوم ← در خارج و امور خارجیه ← عدم امکان
در احکام ظاهریه و امور اعتباری ← ممکن

^۱ متعلق: یقع.

^۲ یعنی: از قبیل دلالت التزامی غیر عرفی نسبت به دلیل حجیت ظهور الفاظ.

^۳ زیرا برای اجرای حد سرقت، دو مرتبه اقرار، لازم است.

وقد يُستشكَلُ في ثبوتِ هذه الحجيةِ بدليلٍ^١ حجيةِ الظهورِ.

گاهی در ثبوت حجیت مدلول التزامی غیر عرفی، به وسیله دلیل حجیت ظهور، اشکال می شود؛
لأنّ دليلَ حجيةِ الظهورِ لا يثبتُ الحجيةَ إلّا لظهورِ اللفظِ، و الدلالةُ الالتزاميةُ لهذا الظهورِ ليست ظهوراً لفظياً فلا تكونُ حجةً.
زیرا دلیل حجیت ظهور، حجیت را ثابت نمی کند؛ مگر برای ظهور لفظ. دلالت التزامی غیر عرفی برای این ظهور، ظهور
لفظی محسوب نمی شود پس حجت نمی باشد.
و مجردُ علمنا من الخارجِ بأنّ ظهورَ اللفظِ إذا كان صادقاً فدلالتهُ الالتزاميةُ صادقةٌ أيضاً^٢، لا يبرّرُ استفادةَ الحجيةِ للدلالةِ
الالتزاميةِ.

و صرف این که از خارج بدانیم که اگر ظهور لفظ صادق باشد، دلالت التزامی آن نیز ثابت خواهد بود، استفاده حجیت
برای دلالت التزامی (غیر عرفی) کلام را توجیه نمی کند.

لأنّ الحجيةَ حكمٌ شرعيٌّ وقد يخصّصُهُ بإحدى الدالتينِ دون الأخرى على الرغمِ من تلازمِهما في الصدقِ.
زیرا حجیت (برای دلیل ظنی) حکم شرعی تعبدی است و شارع مقدس گاه این حجیت را به یکی از دو دلالت تخصیص
می دهد، هر چند که این دو دلالت در صدقشان در عالم خارج با هم تلازم دارند.

Scor: ۲۸: ۰۳

^١ متعلق: ثبوت.

^٢ یعنی: همان طور که دلالت مطابقی آن ثابت است.

۱. دلالت لفظیه بر سه قسم است:

الف) دلالت مطابقی: دلالت لفظ بر تمام معنای موضوع^۹ له را دلالت مطابقی می‌گویند.

ب) دلالت التزامی: دلالت لفظ بر معنای خارج از معنای موضوع^۹ له، که با معنای موضوع^۹ له ملازمه دارد.

ج) دلالت تضمنی: دلالت لفظ بر جزء معنای موضوع^۹ له.

۲. مدلول مطابقی هر دلیلی (اعم از ظنی و قطعی) حجت می‌باشد.

۳. مدلول التزامی دلیل قطعی، مانند مدلول مطابقی‌اش حجت است.

۴. اگر موضوع حجیت در دلیل ظنی، بر مدلول التزامی صادق باشد، مدلول التزامی با این دلیل حجیت ثابت و حجت خواهد بود.

۵. اگر موضوع حجیت دلیل ظنی، بر مدلول التزامی منطبق نباشد، در حجیت مدلول التزامی اختلاف وجود دارد.

۶. متلازمین هر چند که در عالم خارج قابل انفکاک از هم نیستند، اما در عالم اعتبار که احکام ظاهری هم از آن جمله است، تفکیک بین متلازمین مستلزم هیچ محذوری نیست.